

نقش و کارکرد حقوق در حوزه محیط زیست (مطالعه موردی: منابع جنگل‌ها)

مهدی رحمانی^۱

گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

چکیده

ایران یکی از کشورهای فقیر از لحاظ جنگل می‌باشد که دارای رتبه ۴۵ از میان ۱۵۴ کشور دارای جنگل است. ایران با کاهش متوسط سالانه ۱۴۲ هزار هکتار از اراضی جنگلی خود در زمره کشورهای با نرخ بالای جنگل‌زدایی قرار دارد. مساحت جنگل‌های کشور از ۱۸ میلیون هکتار در سال ۱۳۴۳ به ۱۴.۳۲ میلیون هکتار در سال ۱۳۹۳ رسیده است. طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ بالغ بر ۶۰ هزار هکتار از جنگل‌ها کشور دستخوش حریق شده است، به طوریکه سالانه ۰/۰۶ درصد از سطح جنگل‌ها را بر اثر آتش‌سوزی از بین می‌روند. از سوی دیگر با توجه به نقش مهم و حیاتی که جنگل‌ها در ابعاد مختلف زندگی انسان و سایر موجودات زنده ایفا می‌کنند، پدیده تخریب جنگل یکی از نگرانی‌های عمده و اصلی در جامعه می‌باشد. از همین رو قانونگذار با تصویب قوانین متعدد در صدد جلوگیری از تخریب جنگل‌ها برآمده و با در نظر گرفتن ضمانت‌اجراهای مدنی و کیفری سعی در حفاظت و حمایت از این منابع داشته است، هر چند نوع واکنش و مجازات‌هایی که برای تخریب‌کنندگان جنگل در نظر گرفته است متناسب با جرم ارتكابی نمی‌باشد و خلایه‌هایی نیز در این راستا مشاهده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: محیط زیست، جنگل‌ها، حفاظت جنگل، جنگل‌زدایی، مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری.

در دوره کنونی دولت‌ها نقش مهمی در مدیریت و اداره امور بر عهده دارند. به تبع پیچیده شدن امور واحدهای سیاسی، تغییر ماهیت و نحوه عملکرد دولت‌ها و مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی، ساختار اداری و مدیریتی و وظایف دولت‌ها از شکل سنتی (حفظ نظم، امنیت عمومی و اخذ مالیات) به سوی برنامه‌ریزی و مسئولیت‌پذیری برای تسریع فرآیند توسعه و پیشرفت سوق یافت. یکی از این وظایف مدیریت محیط زیست می‌باشد. صنعتی شدن و تحول در زندگی انسان‌ها باعث به وجود آمدن تمدن‌های جدیدی شد. پیشرفت این تمدن‌ها تخریب و انهدام محیط زیست و جنگل‌ها و تبدیل آن‌ها را به زمین‌های زراعی، سپس بخش‌های مسکونی، شهرها و کلان شهرها را به همراه داشت. کشورها از زمان پایان یافتن جنگ جهانی دوم مذاکرات بین‌المللی مربوط به امور جنگل را در سیستم سازمان ملل آغاز کردند (FAO. 2003). اما تا مدت‌ها، هیچ اقدام مؤثر بین‌المللی در راستای حفاظت منابع جنگلی صورت نپذیرفت. تا اینکه در سال ۱۹۷۲ و در پی برگزاری کنفرانس استکهلم، موضوعات زیست محیطی در سطح جهانی مطرح شدند. در این زمان موضوع مدیریت پایدار جنگل‌ها برای نخستین بار مطرح گردید. در اولین مراحل فرآیند جلوگیری از تخریب جنگل‌ها، توجه اصلی و اساسی نسبت به جنگل‌های گرمسیری ابراز شد. از سال ۱۹۹۲، این توجه گسترش یافت و دیگر انواع جنگل‌ها را نیز در بر گرفت. نقطه عطف این مسئله، کنفرانسی بود که توسط سازمان ملل با موضوع محیط زیست و توسعه برپا شد (مولدان و بیلهارز، ۱۳۸۱: ۲۷۳). مطرح شدن این مباحث، نگرش‌های جدیدی را نسبت به منابع طبیعی - خصوصاً جنگل‌ها - به وجود آورد که تغییر سیاست‌های مربوطه را در پی داشت. همچنین به نقش مهم دولت‌ها و سیاست‌هایشان در برداشت درست و منطقی از منابع طبیعی و نیز اشاعه این فرهنگ در سطح جامعه، توجه و تأکید بسیار شده است.

در رابطه با تاریخچه تشکیلات منابع طبیعی در ایران و تحولات رخ داده می‌توان گفت که در ایران به عنوان یک کشور قدیمی و قبل از دوره‌ای که با توسعه و شتاب در افزایش مصرف، مشخص شود، مدیریت بر منابع وجود داشت اما قواعد عرفی در این مدیریت نقش به‌سزا داشتند (شامخی، ۱۳۹۰: ۳۶). سرآغاز توجه دولت به منابع طبیعی را می‌توان ۱۲۰۲ شمسی (۱۲۳۹ قمری) در زمان حکومت فتحعلی‌شاه که وزارت فوائد عامه تشکیل شد دانست، اما شکل‌گیری رسمی ادارات برای مدیریت منابع طبیعی عملاً از سال‌ها بعد آغاز شد (جوانشیر، ۱۳۷۸: ۱۶۵). انقلاب - مشروطه را می‌توان نقطه عطفی در تحولات صورت گرفته در تشکیلات و مدیریت منابع طبیعی ایران دانست. به دنبال این اقدامات قوانین در مورد اداره جنگل‌ها و مراتع و سایر عرصه‌های منابع طبیعی و محیط زیست وضع شد و جنگل‌ها اولین عرصه از منابع طبیعی بودند که در مورد آن‌ها قانون‌گذاری صورت گرفت (شامخی، ۱۳۹۰: ۳۹). از آن زمان به بعد سازمان‌های مختلفی برای اداره منابع طبیعی کشور به وجود آمدند تا امروز که حفاظت از این منابع به عهده سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور می‌باشد.

تصویب قوانین و تعیین ضمانت‌اجراه‌های مدنی و کیفری از سوی قانونگذاران در ادوار مختلف، بیانگر آن است که ایشان سعی داشته‌اند تا پیروی همگان را از اجرای فرامین خود تضمین نمایند و از این طریق به حمایت از جنگل‌ها و مراتع بپردازند. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا با وجود بیش از نیم قرن سابقه قانونگذاری و وجود ضمانت‌اجراه‌های فراوان، همچنان تخریب جنگل به صورت گسترده و روزافزون ادامه دارد و قوانین کیفری ما نتوانسته‌اند آنطور که سایشسته است به حمایت و صیانت از این موهبت الهی بپردازند.

چارچوب نظری پژوهش

محیط زیست

محیط زیست دست کم به معنای امروزی آن در بسیاری از زبان‌ها یک اصطلاح نو و تازه است و سابقه کاربرد آن در فرانسه، به قرن دوازدهم بر می‌گردد. این اصطلاح از آغاز دهه ۱۹۶۰ کاربرد پیوسته پیدا کرده است (کیس و دیگران، ۱۳۹۰: ۵). رنه ماهو دبیر کل سابق سازمان یونسکو تعریفی نسبتاً جامع از محیط زیست ارائه کرده است. طبق تعریف وی، محیط زیست همه چیز یا تقریباً همه چیز را در بر می‌گیرد؛ هم انسان، هم طبیعت و هم روابط بین این دو را شامل می‌شود. در کلیه فعالیت‌های بشر تأثیر دارد و ضمناً از آن‌ها متأثر می‌گردد (بهرام سلطانی، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۳). در ایران هیچ تعریفی از محیط زیست نشده و بطور کلی قوانین ایران به مانند فرانسه محیط زیست را در رابطه با عناصر طبیعت، منابع طبیعی و شهر و مناظر بکار برده‌اند (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۶: ۱۶).

جنگل

به سرزمینی پوشیده از درخت با وسعت بیش از ۰/۵ هکتار که درختان آن مرتفع تر از ۵ متر و تاج پوشش بیش از ۱۰٪ داشته باشد یا درختان آن توانایی رسیدن به این شرایط در این ناحیه را دارا باشند جنگل گفته می‌شود. این تعریف زمین‌هایی که تحت کاربری کشاورزی یا شهری هستند را شامل نمی‌شود (FAO, 2010). بعد از اکوسیستم‌های آبی (اقیانوس‌ها) جنگل‌ها مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اکوسیستم‌های طبیعی دنیا محسوب می‌شوند (مروی مهاجر، ۱۳۸۴: ۹۰). جنگل‌ها متنوع‌ترین اکوسیستم‌های حیاتی را در خود جای داده‌اند و نقش کلیدی و محوری در استمرار حیات پایدار بر روی کره زمین دارند (FAO, 2010). جنگل، نه فقط از حیث تولیدات مواد اولیه جهت ساختمان یا بعدها کاربردهای صنعتی بلکه از جهت‌های بسیار متنوع دیگری نیز دارای ارزش است. منافع اقتصادی، فرصت‌های شغلی، و خدمات اکولوژیکی جنگل‌های جهان به‌تأثیر است. مثلاً، ارزش محصولات جنگل‌های جهان را ۸۵ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند (چیراس، ۱۳۸۲: ۲۷۳). در یک دسته بندی کلی می‌توان ارزش‌های جنگل را به دو دسته تقسیم نمود:

ارزش اقتصادی

جنگل‌ها ظرفیت‌های خوبی در تأمین اشتغال و معیشت برای جمعیت امروز را دارا هستند. تخمین زده می‌شود که بخش جنگل در کشورهای جهان، باعث اشتغال ۱۰ میلیون نفر به طور رسمی و ۳۰ تا ۵۰ میلیون نفر به طور غیر رسمی می‌شود. همچنین بیش از ۱۰٪ از تولید ناخالص داخلی در بسیاری از فقیرترین کشورها در گرو بهره‌برداری از جنگل‌ها می‌باشد (FAO, 2010). چشمگیرترین سودهای مستقیم و بی‌واسطه جنگل‌ها را ۵۰۰۰ محصول تجارتي، چون الوار، کاغذ، ترابانتین و مانند آن‌ها برآورد کرده‌اند که ارزش سالانه آن‌ها به میلیاردها دلار می‌رسد (چیراس، ۱۳۸۲: ۲۷۳). بر اساس گزارشات برداشت چوب در جهان سالانه ۳/۴ میلیارد متر مکعب می‌باشد. با توجه به انجام برداشت‌های غیرقانونی و غیررسمی به ویژه برداشت چوب جهت سوخت که معمولاً ثبت نمی‌شود، میزان برداشت واقعی چوب به مراتب بیشتر از این مقدار می‌باشد. ارزش برداشت چوب از جنگل‌ها بسیار بالا می‌باشد و متوسط ارزش سالانه آن به ۱۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود که بیشترین آن گردبینه‌های صنعتی می‌باشد. محصولات فرعی دیگری جدا از چوب، مانند صمغ، رزین، گیاهان دارویی و منابع ژنتیکی خاص که از جنگل‌ها بدست می‌آید

ارزش اقتصادی بالایی برای صاحبانش دارد. ارزش محصولات فرعی جنگل‌ها خیلی قابل ارزیابی نیست ولی بر اساس گزارش‌ها بالغ بر ۱۸/۵ میلیارد دلار در سال می‌باشد (FAO, 2018). جنگل‌ها همچنین دارای مزایای اقتصادی زیادی از نظر کاربرد تفریحی و تفرجگاهی و جلب گردشگران دارند.

ارزش زیست محیطی

نقش جنگل‌ها در راستای حمایت از حیات بر روی کره زمین اشاره به آن دارد که نگاه به جنگل‌ها صرفاً به عنوان یک منبع تأمین کننده محصولات چوبی تغییر پیدا نموده است. ارزش‌های زیست محیطی جنگل امری غیر قابل پیش بینی است که در اکثر موارد دارای منافع اقتصادی هنگفت نیز می‌باشند. جنگل‌ها مهمترین منبع ذخیره کربن و یکی از پیچیده ترین اکوسیستم‌های زمینی می‌باشند. پوشش گیاهی جنگل‌های جهان ۲۸۳ میلیارد تن کربن را در بیومس گیاهی ذخیره می‌کنند، علاوه بر این ۳۸ میلیارد تن کربن در چوب‌های غیر زنده موجود در جنگل و نیز ۳۱۷ میلیارد تن کربن در خاک سطحی جنگل (تا عمق ۳۰ سانتیمتر از سطح زمین) و نیز پوشش لاشبرگ سطح زمین در مناطق جنگلی وجود دارد. بدین ترتیب میزان کل کربن در اکوسیستم‌های جنگلی بالغ بر ۶۵۰ میلیارد تن تخمین زده شده است. این میزان کربن، از کل کربن موجود در اتمسفر زمین بیشتر می‌باشد. جنگل‌ها علاوه بر این ذخیره دائمی کربن، سالانه به میزان ۲/۴ میلیارد تن کربن اتمسفری را ترسیب می‌نمایند (FAO, 2010). ارزش هر هکتار جنگل به طور متوسط در سال، ۹۶۹ دلار است که ۱۹٪ آن ارزش اقتصادی و ۸۱٪ آن ارزش زیست محیطی است (FAO, 2005). در میان اکوسیستم‌های طبیعی جنگل‌ها بیشترین تعداد خدمات اکوسیستمی را برای انسان فراهم می‌آورند. بیشترین تنوع گونه‌ای و زیستی نیز در اکوسیستم‌های جنگلی به چشم می‌خورد به طوری که ۶۰٪ از کل گونه‌های گیاهی جهان در جنگل‌های گرمسیری^۱ یافت می‌شوند. به طور متوسط در یک هکتار از این جنگل‌ها ۲۰۰-۳۰۰ گونه متفاوت درختی یافت می‌شود. یک چهارم تمامی داروهای تجویز شده‌ای که در آمریکا به فروش می‌رسند بر پایه گیاهان جنگل‌های گرمسیری تهیه شده‌اند (مبرقی دینان، ۱۳۸۷: ۵). امروزه تولید چوب در جنگل آنقدر که اثرات زیست محیطی آن مهم است اهمیت ندارد.

جنگل داری پایدار

سابقه تاریخی جنگل داری پایدار در واحد سطح یا طرح جنگل داری بیش از دو قرن است. کشورهای جهان طی سالیان گذشته به دنبال توافقی جهانی بوده‌اند که حفظ، احیا و توسعه پایدار جنگل‌ها را تصریح و تضمین نماید. این امر در اجلاس زمین که در ریودوژانیرو (۱۹۹۲)، برگزار گردید، میسر شد. هر چند آن توافق الزام قانونی برای کشورهای در بر نداشت ولی توافق جهانی که دربردارنده کلیه انواع جنگل باشد، به امضا کشورها رسید. عنوان کامل این سند بین‌المللی اصول حفاظت از جنگل‌ها^۲ می‌باشد که به اختصار اصول جنگل خوانده می‌شود. هدف اصلی این اصول عبارتست از: ارتقاء مدیریت، حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار و فراهم آوردن امکان کارکردها و بهره‌گیری گوناگون و مکمل از جنگل‌ها (محرم‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۵۰). جنگل داری پایدار در واحد سطح بر دو اصل برداشت مستمر و دائمی و برداشت اقتصادی استوار است. دستیابی به توسعه پایدار جنگل در گرو تحقق پنج پیش نیاز بنیادی تشخیص داده شده است؛ وجود پایه و بنیاد منابع جنگل داری، استمرار جریان تولید، میزان کنترل‌های

^۱ - Tropical

^۲ - Principles on the Conservation of the Forests

محیطی، توجه به عوامل و پیامدهای اجتماعی- اقتصادی، تأمین ساختارهای نهادی مناسب (Toha & Bavoo, 1997: 71-73).

محیط‌شناسی تحقیق

کشور ایران با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت در نیمه جنوبی منطقه معتدل شمالی بین ۲۵ درجه و ۳ دقیقه الی ۳۹ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۴ درجه و ۱۴ دقیقه الی ۶۳ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی از نصف-النهار گرینویچ قرار دارد. سرزمین ایران بطور کلی کوهستانی و نیمه خشک بوده و میانگین ارتفاع آن بیش از ۱۲۰۰ متر از سطح دریاست. به لحاظ موقعیت جغرافیایی در منطقه‌ای از نیمکره شمالی واقع شده است که معمولاً فقیر از جنگل است و در بین ۱۵۶ کشور دارای جنگل در جهان رتبه ۴۵ را داراست. همچنین ایران جزء ۵۴ کشوریست که زیر ۱۰٪ مساحتشان را جنگل می‌پوشاند. (FAO, 2010). بر اساس مناطق جغرافیایی جنگل‌ها ایران به صورت زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:

جنگل‌های شمال ایران، شامل جنگل‌های خزری و جنگل‌های ارسباران، جنگل‌های غرب و جنوب غرب ایران، شامل جنگل‌های زاگرس، جنگل‌های فلات مرکزی ایران، شامل جنگل‌های بیابانی و کوهستانی، جنگل‌های جنوب ایران، شامل جنگل‌های سواحل خلیج فارس و دریای عمان (مرو می‌هاجر، ۱۳۸۴: ۴۶).

یافته‌های پژوهش

تاریخچه سیاست‌گذاری و مدیریت اداری در حوزه محیط زیست (جنگل‌ها) در ایران

به طور سنتی و غیرسازمان یافته توجه به محیط زیست در ایران از سابقه‌ای تاریخی برخوردار بوده است. در اساطیر ایرانیان جنگل و درخت دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. در طول اعصار، نیایش درختان بزرگ بین مردم رایج بوده است. در این مورد گابریل^۱ نیایش درختان را به دوران قبل از آیین زرتشت نسبت می‌دهد. قطع درختان بزرگ میوه-دار از قدیم‌الایام در ایران عملی خلاف محسوب می‌شد. به طور کلی آیین زرتشتی کاملاً در جهت حفاظت منابع طبیعی قابل احیاء و محیط زیست بوده است (یخکشی، ۱۳۸۲: ۲۷). کوروش (حدود ۶۰۰ سال پیش از میلاد) و داریوش (۴۸۶-۵۵۲ پیش از میلاد) به حکام ولایت در خصوص حفاظت از جنگل‌ها و اقدام به امور نهال‌کاری درختان توصیه می‌کردند. خشایارشا (۴۸۵-۴۸۶ پیش از میلاد) نسبت به حفاظت از جنگل‌ها و درختان علاقه زیادی ابراز می‌داشت. در عصر ساسانیان (۶۰۰-۲۲۶ بعد از میلاد)، پادشاهان ساسانی به جنگل و باغات علاقه زیادی داشته و حتی در این ایام یک روز از ماه اسفند را به عنوان روز درخت‌کاری نامیده‌اند. اسپرنر معتقد است که ایرانیان اولین قومی بودند که سازمان جنگل‌داری داشتند (همان، ۲۸). در رابطه با تاریخچه تشکیلات منابع طبیعی در ایران و تحولات رخ داده می‌توان گفت که در ایران به عنوان یک کشور قدیمی و قبل از دوره‌ای که با توسعه و شتاب در افزایش مصرف، مشخص شود، مدیریت بر منابع وجود داشت اما قواعد عرفی در این مدیریت نقش به‌سزا داشتند (شامخی، ۱۳۹۰: ۳۶). سرآغاز توجه دولت به منابع طبیعی را می‌توان ۱۲۰۲ شمسی (۱۲۳۹ قمری) در زمان حکومت فتحعلی‌شاه که وزارت فوائد عامه تشکیل شد دانست، اما شکل‌گیری رسمی ادارات برای مدیریت منابع طبیعی عملاً از سال‌ها بعد آغاز شد (جوانشیر، ۱۳۷۸: ۱۶۵). انقلاب مشروطه را می‌توان نقطه عطفی در تحولات

¹.Gabriel

صورت گرفته در تشکیلات و مدیریت منابع طبیعی ایران دانست. انقلاب مشروطه که در سال ۱۲۸۵ شمسی اتفاق افتاد منجر به حرکت حکومت به سمت تمرکز و تفکیک قوا و به وجود آمدن مجلس و وزارتخانه‌ها گردید. به دنبال این اقدامات قوانین در مورد اداره جنگل‌ها و مراتع و سایر عرصه‌های منابع طبیعی و محیط زیست وضع شد و جنگل‌ها اولین عرصه از منابع طبیعی بودند که در مورد آن‌ها قانون‌گذاری صورت گرفت (شامخی، ۱۳۹۰: ۳۹).

در سال ۱۲۹۹ شمسی، سازمان ابتدایی برای اداره جنگل‌های کشور در وزارت فوائد عامه و فلاحت و تجارت به وجود آمد. از مهمترین اقدامات این نهاد رسمی اعزام هیأتی در سال ۱۳۰۱ به جنگل‌های شمال کشور برای مشخص کردن حدود جنگل‌های دولتی از خصوصی بود. در نیمه دوم سال ۱۳۲۰ وزارت کشاورزی به وجود آمد و در سال ۱۳۲۱ اداره جنگلبانی به اداره کل جنگل‌ها تبدیل گردید و در هر یک از مناطق شمال (گیلان، نوشهر، مازندران و گرگان) سازمان منطقه‌ای جنگلبانی که تحت نظر رؤسای ادارات کشاورزی انجام وظیفه می‌نمودند تشکیل شد و در بخش‌ها نیز شعب جنگلبانی تشکیل گردید که مستقیماً زیر نظر رئیس جنگلبانی فعالیت می‌کردند. در سال ۱۳۲۱ نخستین قانون راجع به جنگل‌ها مشتمل بر ۱۸ ماده و ۷ تبصره به تصویب رسید (قنبری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳). در موادی از این آیین‌نامه، بریدن درخت از جنگل و تهیه هیزم و ذغال و تبدیل هر جنگل به زمین زراعتی را منوط به اجازه وزارت کشاورزی می‌داند و برای مصرف هیزم جنگل نشینان و ساکنان دهکده مجاور و مصارف روستایی تسهیلاتی را مطرح و جرائمی را برای قطع درخت و سایر تخلفات پیش‌بینی می‌کند. به موضوعات آتش زدن جنگل، کت‌زدن و یا پی‌زدن درختان، ممنوعیت چرای دام در جنگل‌های سوخته و یا بهره‌برداری شده، وظایف مأموران جنگلبانی و ممنوعیت معاملات مأموران جنگلبانی در معاملات چوب و درختکاری در برابر بهره‌برداری می‌پردازد (شامخی، ۱۳۹۰: ۱۸۷).

در سال ۱۳۲۷ و در جهت بهبود و ارتقای مدیریت جنگل‌های کشور بنگاه جنگل‌ها تشکیل شد. مهمترین وظایف این بنگاه: حفظ و ازدیاد جنگل‌های کشور و اجرای کامل قانون جنگل‌ها مصوب هفدهم دی ماه ۱۳۲۱، بررسی و آزمایش درخت‌های جنگلی و روش‌های جنگلداری و جنگلبانی، تعلیم و تربیت کارمندان فنی برای تصدی امور جنگل‌ها، اداره امور جنگل‌های دولتی و بهره‌برداری از آن‌ها و مراقبت و نظارت در بهره‌برداری از جنگل‌های غیردولتی، تعیین حدود جنگل‌ها و نقشه‌برداری از آن‌ها (جوانشیر، ۱۳۷۸: ۱۹۲). در سال ۱۳۳۸ دومین قانون مصوب مجلس شورای ملی برای اداره جنگل‌ها و مراتع با عنوان "قانون جنگل‌ها و مراتع" مشتمل بر ۲۸ ماده و ۲۲ تبصره به تصویب رسید. با تصویب این قانون بنگاه جنگل به سازمان جنگلبانی ایران مبدل گشت. این قانون نسبت به زمان تدوین آن نگرش جامعی را در مدیریت جنگل‌ها به وجود آورد و مبنایی برای تدوین و تصویب "قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع" مصوب ۱۳۴۶ شد. قانون مذکور تا به امروز قانون اصلی در مدیریت جنگل‌ها، مراتع، آبخیزداری و بیابان‌زدایی کشور است (شامخی، ۱۳۹۰: ۱۸۹). از سال ۱۳۳۹ برنامه "اصلاحات ارضی" که عبارت از تغییر ساختار بخش کشاورزی کشور است، شروع می‌شود. تغییرات ساختاری در بخش کشاورزی و حذف مالکان بزرگ که هر یک مالک تعداد زیادی روستا و مراتع و جنگل‌های اطراف آن بودند، تغییراتی را در اداره جنگل‌ها و مراتع به همراه داشت. در سال ۱۳۴۱ "جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی کشور" ملی اعلام شد. به این ترتیب مالکیت‌های بزرگ از جنگل‌ها و مراتع نیز حذف و تمامی اختیارات بر عهده دولت قرار گرفت. در سال ۱۳۴۶، ابتدا سومین قانون مصوب مجلس شورای ملی آن زمان با عنوان قانون حفاظت و بهره‌برداری

از جنگل‌ها و مراتع در مرداد ماه به تصویب رسید. به دنبال آن در آذرماه همان سال در ساختار تشکیلاتی مدیریت جنگل‌ها و مراتع و به طور کلی منابع طبیعی کشور تحول جدید و مهمی صورت گرفت و وزارت منابع طبیعی به وجود آمد. قانون مذکور، تا این زمان قانون اصلی برای اداره جنگل‌ها و مراتع کشور است (همان: ۱۹۱). به موجب ماده دو قانون تشکیل وزارت منابع طبیعی، مصوب ۱۳۴۶، سازمان جنگلبانی و مؤسسات تابعه آن با دارایی و بودجه و کارکنان مربوط به وزارت منابع طبیعی منتقل گردید. وزارت منابع طبیعی در تاریخ ۱۳۵۰/۱۱/۱۴ در اجرای قانون جدید تشکیلات و تعیین وظایف سازمان‌های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی منحل و تشکیلات آن در وزارت کشاورزی ادغام شد. تشکیلات جنگل‌ها و مراتع کشور مجدداً به صورت یک سازمان مستقل که رئیس آن عهده‌دار مقام معاونت وزیر کشاورزی و منابع طبیعی بود درآمد.

هدف سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور بر اساس تشکیلات مصوب سال ۱۳۵۱ حفظ، حمایت و احیا، توسعه و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و اراضی جنگلی و بی‌شبه‌های طبیعی و اراضی مستحذنه ساحلی و همچنین حفظ و حمایت و اصلاح خاک‌های کشور و حفاظت آبخیزها ذکر شده است. (جوانشیر، ۱۳۷۸: ۲۳۱-۲۳۰). این سازمان تا به امروز مسئولیت مدیریت جنگل‌ها، مراتع، آبخیزها و بیابان‌های کشور را عهده‌دار است. در بیش از ۳۵ سال گذشته اتفاقات زیادی در مدیریت بخش کشاورزی کشور پیش آمده، که همه آن‌ها اثراتی را بر این سازمان داشته است. با این حال این سازمان ساختار کلی خود را حفظ کرده است و تنها در سال ۱۳۸۴ با تغییراتی که طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ به وجود آمده بود؛ آبخیزداری به این عنوان افزوده شده است، بدون اینکه در وظایف آن تغییر زیادی به وجود آید. بنابراین در حال حاضر سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور ادامه دهنده وظایف این سازمان است (شامخی، ۱۳۹۰: ۱۹۶). سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور یکی از سازمان‌های وابسته به وزارت جهاد کشاورزی است و رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور معاون وزیر جهاد کشاورزی می‌باشد. در ساختار جدید، سازمان دارای پنج معاونت و شش دفتر مستقل می‌باشد. فعالیت‌های این سازمان در سطح کشور توسط اداره کل منابع طبیعی استان‌ها پیگیری و اجرا می‌شود.

نگاهی به پوشش جنگلی ایران

بر اساس مدارک و مستندات علمی سرزمین ایران در گذشته نه چندان دور پوشیده از درختان گوناگون جنگلی بوده است. کینت کرس^۱ که حوادث و لشکرکشی‌های اسکندر مقدونی را به رشته تحریر درآورده، در کوه‌های زاگرس، منطقه بین اصفهان و دزفول را یک منطقه کاملاً جنگلی توصیف کرده است. این نویسنده از باریکه راه‌هایی در داخل جنگل‌ها صحبت می‌کند که گذر از آن‌ها دو نفره و دوش به دوش هم امکان نداشته و افراد می‌بایست که یک به یک و پشت سر هم در این راه‌ها حرکت نمایند. در تمامی نوشته‌های مشابهی که توسط کینت کرس در مورد ایران قدیم یا پارس به رشته تحریر درآمده، از جنگل‌های تقریباً غیرقابل نفوذ سخن رفته است و باز در همین زمینه در سند تاریخی دیگر آمده است: هرودت تاریخ نویس یونانی در نوشته‌های خود از سرزمین ماد شمالی در شمال اکباتان و از ناحیه پون اوکسین^۲ به طرف ساپیر^۳ که بدون شک همان منطقه شمال غرب آذربایجان می‌باشد، صحبت

^۱ - Quinte Curce

^۲ - Pont Euxin

^۳ - Sapires

به میان می‌آورد و این نواحی را یک منطقه مرتفع کوهستانی پوشیده از جنگل توصیف می‌نماید (حکیمیان، ۱۳۷۸: ۹۰).

در اثر تحقیقات هر تسلفد باستان شناس معروف در قصر پاسارگاد ستون‌های چوبی از بلوط وجود داشتند که در ارتفاع ۱۲ متر ۲۰ سانتی متر قطر داشته‌اند. مسلماً این ستون‌ها چوبی از جنگل‌های بلوط غرب تهیه شده بودند و امروزه درختانی با چنین ارتفاع در منطقه پاسارگاد پیدا نمی‌شود. برادران تارو در سفرنامه خود از جنگل‌های پسته و بادام و گز اطراف شهر ری صحبت می‌کنند که امروزه آثاری از آن‌ها وجود ندارد. سید محمد لشکرنویس در سال ۱۲۷۷ قمری می‌نویسد که در حکمت‌آباد نزدیک مشهد جنگل‌های گز انبوهی دیده است (یخکشی، ۱۳۵۶: ۱۲۷). در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی نیز مطالبی حاکی از جنگلی بودن مناطقی از ایران به چشم می‌خورد:

بارون دوبود^۱ دیپلمات روسی یکی از اولین سیاحانی بود که از لرستان عبور کرده است، در نوشته‌های خود از دره‌های پر از درخت بلوط که سایه و شاخ و برگ آن‌ها همه جا را پوشانده بود، صحبت می‌کند و منظر طبیعی لرستان و فارس را پوشیده از چمنزار و تشکیلات جنگلی و بیشه‌های کوچک که به طور متناوب قرار گرفته بودند، توصیف می‌نماید. جغرافی‌دانان اسلامی نیز بر وجود درختان جنگلی در پهنه‌های مختلف سرزمین ایران اشاراتی داشته‌اند. استخری، مستوفی و ابن‌حوقل هر کدام به نوعی یا از بیشه‌زارها و یا پوشش گیاهی مناطقی از ایران که اکنون اثری از آن‌ها بر جای نیست، سخن گفته‌اند. همچنین بنا به نوشته مقدسی، دشت بین ماهان و کرمان پوشیده از درخت بوده است (حکیمیان، ۱۳۷۸: ۹۱). به عقیده ساعی وسعت جنگل‌های ایران در دوران قدیم ۳۰ میلیون هکتار و به عقیده بوبک بیش از ۸۰ میلیون هکتار وسعت داشته است (یخکشی، ۱۳۵۶: ۱۱). در زمان ایران باستان حداقل ۲۰٪ درصد سطح کشور پوشیده از جنگل بوده است. اولین برآورد در مورد جنگل‌های ایران در سال ۱۳۲۱ توسط کریم ساعی انجام شده است. طبق برآورد وی مساحت جنگل‌های ایران ۱۹/۵ میلیون هکتار بوده است. ساعی در سال ۱۳۲۹ در دومین برآورد خود سطح جنگل‌های ایران را ۱۸/۷ میلیون هکتار عنوان کرد (مروی مهاجر، ۱۳۸۵: ۳۲).

از مساحت تحت پوشش جنگل‌های ایران، تا کنون سه بار به طور رسمی آمار تهیه شده است. یک بار در سال ۱۳۴۳ با استفاده از عکس‌های هوایی توسط وزارت منابع طبیعی، و دو بار دیگر در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۸۳ توسط سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور. در سال ۱۳۴۳ دفتر فنی مهندسی منابع طبیعی ایران آمار رسمی مساحت جنگل‌های کشور را ۱۸ میلیون هکتار نشان داده است. بر اساس این آمار در شمال کشور حدود ۳/۴ میلیون هکتار جنگل وجود داشته است. مساحت جنگل‌های کشور در سال ۱۳۷۲ حدود ۱۲/۴۸ میلیون هکتار برآورد گردیده است. از این مقدار، ۱/۹۷ میلیون هکتار را جنگل‌های شمالی تشکیل داده‌اند و ۱۰/۵۱ میلیون هکتار مشتمل بر جنگل‌های سایر مناطق کشور بوده است (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۳). مساحت کل عرصه‌های جنگلی کشور ایران بنا به آخرین گزارشات سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در سال ۱۳۹۵ با احتساب بیشه‌زارها معادل ۱۷/۲۱ میلیون هکتار می‌باشد که از این رقم ۱۴/۳۲ میلیون هکتار جنگل (بالای ۵ درصد تاج پوشش درختی و درختچه‌ای) و ۲/۹۸ بیشه‌زار می‌باشد. با توجه به شرایط متفاوت رویشگاه‌ها و به منظور مدیریت بهینه، جنگل‌های کشور به دو بخش خشک و نیمه خشک (جنگل‌های خارج از شمال) و مرطوب و نیمه مرطوب (جنگل‌های شمال) تقسیم بندی

¹ - Baronade Bode

شده‌اند. مساحت جنگل‌های شمال ۱/۹۶۷ میلیون هکتار و مساحت جنگل‌های خارج از شمال ۱۲/۳۵ میلیون هکتار می‌باشد. (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، شورای جنگل، ۱۳۹۲).

سال	مساحت جنگل‌ها (میلیون هکتار)
۱۳۴۳	۱۸
۱۳۷۲	۱۲.۴۸
۱۳۸۳	۱۴.۳۲
۱۳۹۳	۱۴.۳۱۹

مساحت جنگل‌های ایران از نگاه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور (با تاج پوشش پنج درصد)

آمار فائو از جنگل‌های ایران

سازمان خوار و بار کشاورزی جهانی (فائو) ۱۹۶۳ در آمار رسمی خود مربوط به سطح جنگل‌های دنیا مساحت جنگل‌های ایران را ۱۲ میلیون هکتار ذکر نموده است (بخش‌ی، ۱۳۸۲: ۲۴). فائو در سال ۱۹۹۹ طبق ضوابط و استانداردهای بین‌المللی و بر اساس آنچه سازمان جنگل‌ها اعلام داشته است (با تاج پوشش ده درصد)، ۵ میلیون هکتار از ۱۲/۴ میلیون هکتار از جنگل‌های کشور را به عنوان جنگل به رسمیت شناخته و با اضافه کردن حدود ۲/۳ میلیون هکتار رقم اعلام شده جنگل‌کاری، که آن هم عمدتاً شامل جنگل‌کاری مناطق بیابانی است، مساحت جنگل‌های ایران را ۷/۳ میلیون هکتار اعلام کرده است. که حدود ۳ درصد از خاک کشور می‌باشد (خطیبی، ۱۳۸۳: ۱۱). این سازمان سرانه جنگل در این کشور را ۰/۲ هکتار اعلام کرده است (در مقابل ۰/۶ جهانی) (FAO, 2010). فائو در سال ۲۰۱۵ سطح جنگل‌های کشور را ۱۰ میلیون و ۶۰۰ هزار هکتار عنوان کرده است (FAO, 2015).

سیر تخریب پوشش جنگلی ایران

میزان نابودی پوشش گیاهی ایران در طول تاریخ به گونه‌ای تأسف بار آشکار می‌گردد. گزایه دوپلانول^۱ دربارهٔ انهدام پوشش جنگلی ایران می‌نویسد:

بنا به قول هانس بوبک ۹۵ تا ۱۰۰ درصد از جنگل‌های ارس دامنه‌های خشک داخلی البرز و خراسان و ۱۰۰ درصد تشکیلات جنگلی پسته و بادام فلات داخلی ایران تخریب و منهدم شده است و طبق تخمین، حداکثر ۱۰ درصد از درختان بلوط و سروکوهی زاگرس باقی مانده است. در حالت کلی، سطح زیر درختان جنگلی فعلی ایران از یک ششم مساحت جنگلی آن تجاوز نمی‌کند. آتش زدن درختان، ضعف یا بی‌توجهی انسان‌های اولیه برای مهار و خاموش کردن آن، یکی از عوامل نابودی بخش‌های وسیعی از پوشش گیاهان بوده است. هوتوم فن شیندلر افسر اتریشی که در زمان ناصرالدین شاه قاجار به عنوان مأمور کشیدن خط تلگراف، در ایران به سر می‌برده و برای انجام مأموریت خود به نقاط مختلف ایران نیز سفر کرده است، در گزارش‌های خود به چند مورد از آتش سوزی‌ها اشاره داشته است. این آتش سوزی‌ها هفته‌ها جنگل‌های ایران را فرا می‌گرفته، بدون آنکه کسی به فکر نجات درختان باشد (حکیمیان، ۱۳۷۸: ۹۲).

پس از هجوم مغولان بسیاری از شهرها، ده‌ها و آب بندها نابود گردید و از آنجا که ارزش زمین‌های زراعی و گیاهان برای این مردم چادرنشین، ناشناخته بود، آنان مایملک مردم را می‌گرفتند و از مزارع و کشتزارهایشان بیرون می‌-

¹ - Gesavier de Planol

راندند. در نتیجه، ایرانیان برای ایجاد اراضی زراعی جدید و تهیه چوب که در امر ساختن خانه‌های از دست رفته به آن نیازمند بودند، اجباراً به قطع و تخریب جنگل‌ها دست بردند و از آن طریق رابطه ایرانیان و پوشش گیاهی به تدریج کاهش یافت. در طول ایام و بروز جنگ‌های مختلف با یونانیان، رومی‌ها، اعراب، مغولان، ترک‌ها، افغان‌ها، روس‌ها و همچنین درگیری‌های فزاینده داخلی این کاهش بیشتر و بیشتر شد تا به وضعیت امروزی رسید، یعنی سطح عظیمی از جنگل‌ها و اراضی مرتعی نابود شد و این روند با تخریب‌های عوامل طبیعی تا به امروز در حال گسترش می‌باشد. افزایش رشد جمعیت، صنعتی شدن و پیشرفت روزافزون اقتصاد کشور که از نیمه ی دوم قرن بیستم ناظر آن هستیم، دولت‌ها را وادار کرد تا از بخش‌هایی از مناطق حفاظت به عمل آورند و آن‌ها را به پارک‌های تفریحی تبدیل کنند (یخکشی، ۱۳۸۲: ۲۸). ساعی در کتاب شمه‌ای درباره جنگل‌های ایران می‌نویسد که در صد سال اخیر قریب ۱۰۰ هزار هکتار از جنگل‌های اطراف چالوس (از پل زنگوله تا پل ذغال) در اثر ذغال‌گیری از بین رفته است (یخکشی، ۱۳۵۶: ۱۲۷). هانس بوبک درباره دلایل تخریب جنگل‌های ایران می‌گوید:

به طور طبیعی، علت اصلی و مهم تخریب جنگل‌ها و مراتع، استفاده مردم از منابع طبیعی مناطق مختلف بوده و به همین دلیل نیز پوشش طبیعی و دستجات گیاهی چوبی از دوران‌های گذشته تا کنون همیشه مورد هجوم مردم قرار گرفته‌اند. کاروان‌های فراوانی در حرکت بوده‌اند و از دیرباز تا امروز چوب‌های مرتفع به طور دائمی از مسیر جاده‌ها عقب نشینی کرده‌اند. جنگل‌ها از درون نیز هدف تجاوز و بهره‌برداری شدیدی قرار گرفته‌اند و بدین صورت از دست و گزند انسان و حیوان در امان نیستند. به ندرت می‌توان با انسانی روبرو شد که در زمینه حفظ جنگل دیدی وسیع و روشن داشته باشد و تخریب این جنگل‌ها را که طی سال‌ها و سالیان درازی به وجود آمده‌اند، درک کند (بوبک، ۱۳۷۳: ۶). وی در ادامه ادعا می‌کند که: این مشاهدات و نتایج به دفعات ذکر گردید و حتی می‌توان از روی اطلاعات تاریخی اثبات کرد. (همان: ۷)

اهلرز درباره مراحل انهدام جنگل‌های ایران چنین عقیده دارد:

برای ایران تصور می‌رود که انهدام جنگلی در طی دو مرحله جداگانه صورت پذیرفته باشد. بررسی سفرنامه‌های جغرافیدانان ایرانی و عرب همانگونه که دوپلانول در رابطه با ایران انجام داده، ظاهراً حاکی از آن است که در عصر ساسانیان نیز ایرانیان شاهد یک دوره از بین رفتن شدید جنگل بوده است. در دوره تسلط اعراب و حتی پیش از آن در زمان سلطه‌گران اقوام آسیای مرکزی و به دنبال آن به هنگام تشدید رواج کوچ‌نشینی، به نظر می‌رسد که روند انهدام جنگل کندتر گشته و یا حتی متوقف شده باشد. موج جدیدی از غارت جنگل‌ها در دوره اخیر یا به عبارت دیگر، از اوایل سده بیستم شروع شده است. تنک شدن درختان جنگلی و انهدام آن در سطحی گسترده چه در جنگل‌های نواحی پست و چه کوهستانی، ابتدا در حدود سال ۱۹۰۰ یعنی هنگامی که زمینه و شرایط گوناگونی فراهم بودند، آغاز گشت: رشد شدید جمعیت در تهران و به دنبال آن، افزایش فزاینده تقاضا برای چوب، از بین رفتن منابع تهیه چوب در دامنه‌های جنوبی البرز، احداث جاده‌های ارتباطی بین تهران و سواحل. وی استفاده از جنگل به عنوان چراگاه را نیز عامل مهمی از عوامل انهدام جنگل می‌داند (اهلرز، ۱۳۷۲: ۶۷). وی استفاده از جنگل به عنوان چراگاه را نیز عامل مهمی از عوامل انهدام جنگل می‌داند:

هرچند که از زمان ملی شدن جنگل‌ها بهره‌برداری بی‌رویه از آن محدود گشته، لیکن روند انهدام جنگل هنوز ادامه دارد. در گیلان و مازندران، امروزه نیز استفاده از چراگاه‌های جنگلی در این رابطه نقش بسزایی دارد. این چراگاه‌ها

به ویژه در فصول بهار و پاییز اهمیت دارند؛ چرا که دام‌ها به هنگام مهاجرت فصلی بین نواحی جلگه‌ای پست و چراگاه‌های مرتفع کوهستانی البرز، این جنگل‌ها را در مقاطع ارتفاعی مختلف طی نموده و مورد استفاده قرار می‌دهند. این دام‌ها با خوردن جوانه‌ها و برگ‌های جوان ضایعات پی‌درپی را در جنگل‌ها موجب می‌گردند. به علاوه گله‌های روستائیان در روستاهای کوهستانی البرز و زاگرس و دیگر توده‌های کوهستانی، پیوسته به چراگاه‌های نزدیک برده می‌شوند. این عمل نه تنها تجدید حیات پوشش جنگلی را مشکل می‌نماید، بلکه عملاً آن را غیر ممکن می‌سازد. قطع منظم یا کنترل نشده درختان جنگلی برای گسترش زمین‌های کشاورزی یکی دیگر از عوامل مهم انهدام جنگل‌ها در ایران است. هرچند ممکن است این روش امروزه در بیشتر نقاط کشور دیگر نقشی نداشته باشد، لیکن در سواحل پست دریای خزر هنوز هم اعمال می‌گردد. روش قطع دایره‌وار و سپس سوزاندن درختان، که تا اوایل سدهٔ اخیر رایج بوده، امروزه نیز با احداث اراضی جدید کشاورزی، همچنین ایجاد تأسیسات جدید توریستی برای از بین بردن بازماندهٔ جنگل‌های نواحی پست ادامه دارد (همان، ۱۹۸).

دربارهٔ میزان جنگل‌زدایی و تخریب جنگل‌های ایران در شرایط فعلی آمار رسمی در دست نیست. طبق گزارش مجله اکونومیست در ایران از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۷ با نرخ ۹۲۵۰ هکتار در سال از وسعت جنگل‌های نواحی شمال کاسته شده و از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۴ این رقم سالانه به ۱۸۰۰۰ هکتار افزایش یافته است. میزان کاهش جنگل‌های ایران از سال ۱۹۹۴ به بعد به ۲۹۰۰۰ هکتار در سال رسید (آل یاسین، ۱۳۸۶: ۲۲۴). تخریب جنگل‌ها تنها در شمال کشور حدود ۵۰۰۰۰ هکتار در سال برآورد و تخمین زده می‌شود طبق برآورد کارشناسان، هر ثانیه ۷۰۰ متر مربع از جنگل‌ها و مراتع کشور به دلیل دخالت‌های ناروای انسان از بین می‌رود (همان به نقل از مجله جنگل و مرتع، شماره ۱، صفحه ۸).

در این باره بهتر است میزان تخریب جنگل‌های ایران در سال‌های اخیر از گزارش وزیر وقت جهاد سازندگی نقل شود: در هر ثانیه حدود ۲۰۰ متر مربع از سطح جنگل‌ها تخریب می‌شود و میزان تخلفات و شدت تخریب جنگل‌ها و مراتع نسبت به سال ۱۳۵۶، ۴۸۰ درصد افزایش داشته است. درست است که در سال‌های اخیر، بررسی میزان تخریب جنگل‌ها به گونه‌ای علمی و دقیق انجام نگرفته است؛ اما این نوع حدس و گمان‌ها به هر حال بازگو کنندهٔ برخی واقعیت‌ها در این زمینه هستند (گزارش وزیر جهاد سازندگی، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۵۶۲، ۱۳۷۰/۱۲/۱۱ به نقل از حکمیان، ۱۳۷۸: ۱۰۳). طبق گزارش سازمان حفاظت محیط زیست ایران علیرغم احیای سالانه حدود ۱۰۰ هزار هکتار از جنگل‌های کشور، این رقم در مقایسه با تخریب‌های انجام شده در سال‌های گذشته بسیار ناچیز است. به دلیل گستردگی عرصه جنگل‌های خارج از شمال و نفوذ عوامل انسانی و دامی این جنگل‌ها را در معرض تهدید جدی قرار داده است. ایران با کاهش متوسط سالانه ۱۴۲ هزار هکتار از اراضی جنگلی خود در زمرهٔ کشورهای با نرخ بالای جنگل‌زدایی قرار دارد به گونه‌ای که در حد فاصل سال‌های ۷۴-۱۳۶۹ در منطقه آسیا و پاسیفیک دهمین کشور دارای درجه، جنگل‌زدایی بوده است. جنگل‌های ارسباران که در سال ۱۳۵۵ به عنوان یک منطقه حفاظتی و ذخیره‌گاه (بیوسفر) از سوی سازمان یونسکو مطرح شده، حدود ۵۰ سال قبل دارای ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار هکتار جنگل بوده است، که هم اکنون به ۱۶۴ هزار هکتار کاهش یافته است (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۴). مساحت زیر پوشش جنگل در شمال کشور، از ۶ میلیون هکتار در سال ۱۳۰۰ به ۳/۴ میلیون هکتار در سال

۱۳۴۱ و ۱/۶ هکتار در سال ۱۳۷۴ کاهش یافته است. مقایسه عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای نشان می‌دهد که مساحت تحت پوشش جنگل‌های شمال ایران در فاصله زمانی ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۴، حدود ۱۴۱۵۷۲ هکتار یعنی ۷/۱٪ تخریب شده است. همچنین آمده است که در فاصله زمانی ۱۹۶۹ تا سال ۲۰۰۰، تغییرات زیادی در سطح جنگل‌های ایران به وجود آمده است. به طوری که مساحت تحت پوشش جنگل‌های طبیعی ایران حدود ۱۱٪ کاهش یافته است و به تبع آن حدود ۵ میلیون هکتار زمین تحت تأثیر فرسایش قرار گرفته است. در مقابل مساحت تحت پوشش جنگل‌های مصنوعی ۲/۳ میلیون هکتار افزایش یافته است (ولایتی و دیگران، ۱۳۸۵: ۵۹). در ایران آتش‌سوزی یکی از عوامل اصلی نابودی جنگل‌ها می‌باشد. بر اساس آمار، مساحت مورد حریق جنگل‌های کشور از ۵۸۲۹ هکتار در سال ۱۳۷۵ به ۲۳۶۵۶ هکتار در سال ۱۳۹۰ رسیده است به طوری که طی این سال‌ها بالغ بر ۶۰ هزار هکتار از جنگل‌ها کشور دستخوش حریق شده است (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۰). بنا بر آمار فائو، ایران سالانه ۰/۰۶ درصد از جنگل‌های خود را بر اثر آتش‌سوزی از دست می‌دهد که این میزان معادل ۶ هزار و ۵۰۰ هکتار از جنگل‌هاست (FAO, 2011). عامل دیگر برداشت بی‌رویه و بدون جایگزینی چوب از جنگل-هاست. برداشت چوب در جنگل‌های کشور از ۳۰۰/۰۰۰ متر مکعب در سال ۱۳۴۶ به ۱/۵ میلیون متر مکعب در سال ۱۳۵۵ و دو میلیون متر مکعب در هر یک از سال‌های برنامه دوم رسیده است. همچنین روستائیان جنگل‌نشین و دامداران، سالانه حدود ۲/۸ میلیون متر مکعب چوب هیزمی و ۱۷۰/۰۰۰ متر مکعب چوب صنعتی از جنگل‌های شمال ایران برداشت می‌کنند (ولایتی و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۱). بر اساس اعلام مدیرکل دفتر مهندسی و مطالعات سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در سال ۱۳۹۸، سالانه حدود ۱۲ هزار هکتار جنگل در کشور تخریب می‌شود (www.tabnak.ir). پدیده خشکیدگی جنگل‌های بلوط غرب پس از وقوع در برخی استان‌های غربی کشور، به سرعت گسترش یافته و منجر به از بین رفتن بخش قابل توجهی از رویشگاه‌های جنگلی بلوط شده است. از عوامل موثر در پدید آمدن خشکیدگی بلوط می‌توان به قارچ مولد بیماری ذغالی بلوط، سوسک‌های چوب‌خوار، خشکسالی و تغییر اقلیم، هجوم ریزگردها، زراعت زیراشکوب و چرای بی‌رویه دام در جنگل به عنوان عوامل مستقیم و همچنین استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی، فعالیت‌های عمرانی ناپایدار، اکوتوریسم ناپایدار، آتش-سوزی‌ها و کمبود منابع آب به عنوان عوامل غیر مستقیم اشاره نمود. بر اساس آخرین آماربرداری سطح مناطق آلوده شده در حدود ۹۷۵ هزار هکتار برآورد گردیده است که عمدتاً در استان‌های فارس، ایلام، لرستان، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد پراکنش یافته است. آمار اعلام شده در استان‌های مذکور نشان از بحرانی بودن سطح قابل توجهی از جنگل‌های بلوط دارد (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، دفتر جنگل-های خارج از شمال: ۱۳۹۲). در حدود ۱۳ هزار خانوار در روستاهای با کمتر از ۲۰ خانوار در شمال کشور زندگی می‌کنند که طبق قانون باید از جنگل خارج شوند. بنا بر آمار ارائه شده از سوی جامعه جنگلبانی کشور، در حال حاضر ۶ میلیون دام مجاز و غیرمجاز در جنگل‌های شمال وجود دارد که خسارات ناشی از آن‌ها سالانه ۴۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود. همچنین بنا به اظهارات مسئول نامبرده بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۴ وجود بیش از ۴ میلیون و ۳۷۰ هزار واحد دامی مجاز در جنگل‌های شمال باعث پاک‌تراشی و قطع کامل ۵۷ هزار هکتار جنگل برای ساخت اتراقگاه‌ها و دامسراها شد است و طی همین زمان ۱۱ میلیون متر مکعب چوب از بین رفته است. در حال حاضر دو و نیم برابر ظرفیت چرا، دام در رویشگاه‌های جنگلی کشور وجود دارد (آسیب ۴۰۰ میلیارد تومانی از

چرای دام در جنگل‌های شمال، روزنامه همشهری ۱۳۹۲/۴/۲۹). در طول برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز شاهد ایجاد تغییراتی در روند سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در خصوص محیط زیست و جنگل بوده‌ایم که می‌توان به ساماندهی خروج دام از جنگل‌های شمال کشور، ایجاد طرح حفاظت و حمایت از جنگل‌ها و مراتع کشور، تهیه طرح مرتع‌داری، طرح مطالعات منابع طبیعی و آبخیزداری (سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۶۸)؛ طرح تحول سیستم دامداری (۱۳۶۸)، طرح ساماندهی خروج دام از جنگل‌های شمال (۱۳۷۵)، طرح تمرکز خانوارهای جنگل‌نشین پراکنده (۱۳۷۵)، طرح خروج دام از جنگل‌های شمال (۱۳۸۰)، طرح ساماندهی جنگل‌نشینان پراکنده (۱۳۸۰)، طرح صیانت از جنگل‌های شمال کشور (۱۳۸۰)، طرح صیانت و توسعه جنگل‌های زاگرس (۱۳۸۲)، طرح صیانت از جنگل‌های ارسباران (۱۳۸۳)، طرح توسعه و صیانت جنگل‌های جنوب (۱۳۸۴) اشاره کرد (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، دفتر شورای جنگل، ۱۳۹۲). درباره عملیاتی شد این طرح‌ها آمار دقیقی به صورت رسمی ارائه نشده است.

حمایت حقوقی از جنگل‌ها و مراتع در قوانین موضوعه‌ی کشور

با توجه به راکد و ایستا نبودن پدیده‌ی تخریب و از بین بردن جنگل‌ها و مراتع که تمام ابعاد حیات انسان و سایر موجودات زنده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در چند دهه‌ی گذشته با بالا رفتن اطلاعات و آگاهی‌های مردم در این زمینه، برخی واکنش‌های حقوقی در راستای صیانت و حفاظت از این منابع از سوی دولت‌ها در قالب جرم‌انگاری و در نظر گرفتن مسئولیت مدنی برای اشخاصی که اقدام به تخریب و از بین بردن جنگل‌ها و مراتع می‌کنند، در نظر گرفته شده است.

مسئولیت مدنی

از جمله آثار سازوکارهای حقوقی حفاظت از جنگل‌ها و مراتع، شناسایی مسئولیت مدنی برای اشخاص حقیقی یا حقوقی است که به از بین بردن و تخریب جنگل‌ها و مراتع می‌پردازند. در خصوص مسئولیت مدنی دولت در موارد اعمال حاکمیت خود مطابق بند آخر ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی که بیان داشته است: «... در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.» اصولاً راجع به اقداماتی نظیر ملی کردن جنگل‌ها که در راستای حفاظت و صیانت از این منابع می‌باشد، ملزم به جبران خسارت نیست؛ اما در ماده ۳ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع به اشخاصی که دارای مدارکی هستند که نشان‌دهنده‌ی مالکیت به نام جنگل می‌باشد، وجوهی به عنوان خسارت پرداخت می‌شود.

در واقع بر اساس بند آخر ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و نیز اصل چهل و پنجم قانون اساسی که جنگل‌ها و مراتع را جز انفال و ثروت‌های عمومی محسوب کرده که اختیار آن به دست حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن اقدام کند، چنانچه دولت اقداماتی انجام دهد که منجر به تخریب و از بین رفتن جنگل‌ها و مراتع شود نمی‌توان ضمانت اجرایی برای اقدامات دولت در نظر گرفت و مسئولیتی را متوجه او دانست؛ اما اگر اشخاص دیگر اقدام به از بین بردن و تخریب جنگل‌ها نمایند بر اساس عناوینی می‌توان برای آنها مسئولیت مدنی در نظر گرفت و آنها را ملزم به جبران خسارات وارده به جنگل‌ها نمود. از جمله این عناوین می‌توان به غصب و

تصرف غیرقانونی منابع جنگلی اشاره نمود. غصب که عبارت است از تصرف مادی غیرمجاز در ماده‌ی ۳۰۸ قانون مدنی اینگونه تعریف شده است: « غصب استیلا بر حق غیر است به نحو عدوان، اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز نیز در حکم غصب است.» استیلاء، حق متعلق به غیر و عدوان، عناصری هستند که طبق این تعریف برای غصب در نظر گرفته شده‌اند. بر این اساس چنانچه شخص یا اشخاصی بر منابع جنگلی که متعلق به دولت و عموم مردم می‌باشد، استیلاء غیر قانونی داشته باشد و موجب تخریب آن شود، ممنجر به مسئولیت مدنی و ضمان او از باب غصب می‌باشد و غاصب علاوه بر الزام به دست کشیدن از منابعی که غصب کرده بر طبق ماده ۳۱۱ قانون مدنی و رد آن به مقامات عمومی، چنانچه خسارتی مانند قطع درختان جنگل، از بین بردن بوته‌ها و پوشش گیاهی و حتی عدم‌النفعی که از استیلاهی غیرقانونی او به منابع مذکور وارد آورده باشد، به حکم قاعده مندرج در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی باید به جبران و تدارک آن خسارات اقدام نماید. افزون براین با توجه به منافع زیادی که جنگل‌ها و مراتع دارا می‌باشند، غاصب باید به استناد ماده ۳۲۰ قانون مدنی اجرت‌المثل زمان غصب را- هرچند استیفاء منفعت نکرده باشد- را بپردازد.

مسئولیت کیفری

از آنجایی که تخریب جنگل‌ها، یکی از عواملی است که خطرات و آسیب‌های فراوانی را برای محیط زیست به بار می‌آورد، باید علاوه بر مسئولیت مدنی، ضمانت اجرای کیفری نیز برای از بین بردن آن از سوی افراد جامعه و نهاد و سازمان‌ها در نظر گرفته شود تا افراد را از این اقدام مخرب بازدارد. بدین معنا که ایجاد هرگونه تغییر در عناصر تشکیل دهنده‌ی جنگل که منجر به کاهش سطح پوشش و تولید در جنگل و انقراض بعضی از عناصر آن می‌شود به گونه‌ای که جنگل نتواند نقش اقتصادی و زیست محیطی خود را به صورت مستمر ایفا کند، ضرورت دارد که جرم‌انگاری شود. در خصوص حمایت کیفری از جنگل‌ها و مراتع قوانینی که در حال حاضر حاکم می‌باشند عبارتند از:

۱) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن
قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع در فصل ششم، به طور مجزا به بیان جرائم و مجازات‌های مربوط به تخریب جنگل‌ها و مراتع پرداخته است که به برخی از این جرائم اشاره می‌گردد.

بریدن و ریشه کردن درختان و نهال‌ها

مهم‌ترین و عمده‌ترین شکل تخریب جنگل، بریدن و ریشه‌کن کردن درختان می‌باشد که طبق ماده ۴۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، برای آنها مجازات در نظر گرفته شده است. این ماده چنین اشعار داشته است: «... و بریدن و ریشه‌کن کردن درختان و نهال‌ها در منابع ملی شده و متعلق به دولت و همچنین در توده‌های جنگلی بدون موافقت کتبی سازمان جنگلبانی ممنوع است این قبیل فرآورده‌ها به نفع سازمان جنگلبانی ضبط می‌شود و متخلف به پرداخت جریمه از یکصد تا یک هزار ریال نسبت به هر درخت یا هر متر مکعب هیزم یا ذغال و به حبس تأدیبی تا شش ماه محکوم خواهد شد.»

کت زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی

در ماده ۴۶ قانون فوق‌الذکر کت زدن و روشن کردن آتش هر کدام جرم مستقلاً در نظر گرفته شده‌اند. این ماده بیان می‌دارد: «کت زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و برای هر درخت کهکت یا پیزده و یا در آن آتش

روشن کرده باشد به پرداخت جریمه نقدی از یکصد ریال تا یک هزار ریال محکوم خواهد شد.»

کت زدن درخت به معنای آن است که قسمتی از تنه درخت به وسیله‌ی تبر یا هر وسیله‌ی برنده به گونه‌ای که موجب خشک شدن و از بین رفتن درخت شود. منظور از پی زدن نیز حفر کردن زمین اطراف درخت به قصد ریشه کن کردن درخت می‌باشد. ارتکاب هر کدام از این رفتارها مستقلاً جهت تحقق جرم ماده ۴۶ کافی است.

ایجاد آتش‌سوزی

یکی از خطرناک‌ترین عوامل تخریب جنگل‌ها، حریق یا آتش‌سوزی می‌باشد که عوامل انسانی به طور مستقیم یا غیرمستقیم منجر به بروز آن می‌گردد. قانونگذار در ماده ۴۵ و ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با جرم‌انگاری نمودن حریق عمدی و غیرعمدی برای هر یک از این اقدامات مجازات جداگانه در نظر گرفته است. ماده‌ی ۴۵ به ایجاد آتش‌سوزی غیرعمدی اشاره داشته و بیان می‌دارد: «آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی ممنوع است در صورتی که در نتیجه بی‌مبالاتی حریق در جنگل ایجاد شود مرتکب به حبس تأدیبی از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.» ماده‌ی ۴۷ هرچند به نظر می‌رسد با ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی نسخ‌ضمنی شده است؛ اما در خصوص آتش‌سوزی عمدی در جنگل‌ها چنین اشعار می‌دارد: «هر کس در جنگل عمداً آتش‌سوزی ایجاد نماید به حبس مجرد از سه تا ده سال محکوم خواهد شد در صورتی که مرتکب مأمور جنگلبانی باشد به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.» وفق مواد مذکور روشن کردن عمدی یا غیر عمدی آتش با هر عملی و با هر وسیله‌ای که صورت گیرد مشمول این مواد خواهد بود. در خصوص مرتکب این جرم، چنانچه از مأموران جنگلبانی باشد، مجازات تشدید شده و به حداکثر مجازات مقرر در ماده ۴۷ محکوم خواهد شد.

از بین بردن بوته‌ها و درختچه‌های بیابانی و کویری، چرای دام، قاچاق چوب الات جنگلی از جمله جرائمی هستند که در این قانون ذکر شده و برای آن ضمانت اجراهای کیفری در نظر گرفته شده است.

۲) قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱

بعد از تصویب قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۶، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور در سال ۱۳۷۱ در سه ماده در جهت حمایت کیفری از منابع طبیعی و بویژه جنگل‌ها و مراتع به تصویب رسید که به جرم‌انگاری برخی اعمالی که منجر به تخریب و از بین رفتن برخی از گونه‌های گیاهی و درختان می‌شود، پرداخته است. در ماده‌ی ۱ قانون مذکور چنین آمده است: «ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون گونه‌های درختانی از قبیل شمشاد، زرین، سرخدار، سروخمره‌ای، سفیدپلت، حرا و چنندل، ارس، فندق، زیتون طبیعی، بنه (پسته و وحشی)، گون، ششم، گردو (جنگلی) و بادام وحشی (بادامک) در سراسر کشور جزء ذخائر جنگلی محسوب و قطع آنها ممنوع می‌باشد.

تبصره ۳ - متخلفین از این قانون برای بار اول علاوه بر پرداخت خسارتی که حسب مورد توسط کارشناسان مربوطه وزارت جهاد سازندگی ارزیابی خواهد گردید به حبس از یک ماه تا شش ماه و پرداخت جزای نقدی برای هر اصله درخت معادل یک برابر و نیم قیمت روز آن

و در صورت تکرار به‌اشد مجازات محکوم می‌شوند.»

با وجود آنکه ماده‌ی ۴۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع همه درختان را مورد حمایت قرار داده و اقدامی اعم از بریدن و ریشه کن کردن، تهیه چوب و هیزم و ذغال و غیره که باعث تخریب و از بین رفتن درختان و نهال‌ها گردد را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین نموده است؛ اما ماده‌ی ۱ قانون حفظ و حمایت تنها قطع گونه‌های خاصی را تحت حمایت قرار داده و برای قطع آن گونه‌ها مجازات شدیدتری در نظر گرفته است. برای این اساس چنانچه اینگونه درختان قطع گردد ماده ۱ حاکم بوده، اما اگر گونه‌های دیگر درختی قطع گردد ماده ۴۲ جاری می‌باشد.

۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

قانونگذار در مواد ۶۷۵ و ۶۹۰ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی حمایت از جنگل‌ها و مراتع را مورد توجه قرار داده و آتش‌سوزی و تصرف عدوانی آنها را جرم دانسته و برای آن مجازات در نظر گرفته است. ماده ۶۷۵ مقرر داشته است: «هر کس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.

بصره ۲: مجازات شروع به جرائم فوق شش ماه تا دو سال حبس می‌باشد.»

قانونگذار در این ماده علاوه بر بیان احکام تخریب و احراق اموال، آتش زدن جنگل را نیز مورد حکم قرار داده و برای آن مجازات حبس از دو ماه تا پنج سال مقرر نموده است، این درحالی است که ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌داری از جنگل‌ها و مراتع، مجازات حریق عمدی را حبس از سه تا ده سال معین کرده بود. به موجب ماده‌ی ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی، مجازات مذکور در ماده‌ی ۴۷ کاهش یافته و خفیف‌تر شده است و به نظر می‌رسد که ماده‌ی ۴۷ نسخ ضمنی شده است. به واقع قانونگذار به جای آنکه با در نظر گرفتن شرایط خاص زیست محیطی در حال حاضر به حمایت جدی‌تر و گسترده‌تر از منابع جنگلی مبادرت ورزد به تعدیل و کاهش مجازات مزبور پرداخته است.

در ماده‌ی ۶۹۰ نیز چنین آمده است: « هر کس به وسیله صحنه‌سازی از قبیل پی‌کنی، دیوارکشی، تغییر حد فاصل، امحای مرز، کرت‌بندی، نهرکشی، حفر چاه، غرس اشجار و زراعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی، جنگل‌ها و مراتع ملی شده، ... ، مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذیصلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هر گونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود. دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید.

تبصره ۱ - رسیدگی به جرائم فوق‌الذکر خارج از نوبت به عمل می‌آید و مقام قضایی با تنظیم صورتمجلس دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز را تا صدور حکم قطعی خواهد داد.

تبصره ۲ - در صورتی که تعداد متهمان سه نفر یا بیشتر باشد و قرائن قوی بر ارتکاب جرم موجود باشد قرار بازداشت صادر خواهد شد، مدعی می‌تواند تقاضای خلع ید و قلع بنا و اشجار و رفع آثار تجاوز را بنماید. در این ماده هر عملیاتی که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد جرم تلقی شده که یکی از مصادیق بارز منابع طبیعی و نیز یکی از موضوعات جرم تصرف عدوانی، جنگل‌ها و مراتع می‌باشند.

نتیجه‌گیری

در سده بیستم میلادی، دولت‌ها درصدد برآمدند با تنظیم و تصویب قوانین و مقررات و اجرای آن‌ها، فرآیند تخریب محیط زیست به طور کلی و جنگل‌ها به طور خاص مورد توجه قرار داده و فرآیند تخریب را کنترل و کاهش دهند. در ایران نیز اولین عرصه از منابع طبیعی که در مورد آن‌ها قانون‌گذاری صورت گرفت، جنگل‌ها بودند. از سال ۱۲۹۹ شمسی سازمان جنگلبانی برای اداره جنگل‌های کشور تشکیل شد. از آن زمان به بعد سازمان‌های مختلفی برای اداره منابع طبیعی کشور به وجود آمدند تا امروز که حفاظت از این منابع به عهده سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور می‌باشد. در زمینه پوشش جنگل ایران یکی از کشورهای فقیر از لحاظ جنگل می‌باشد و از میان ۱۵۴ کشور دارای جنگل رتبه ۴۵ را دارا می‌باشد. همچنین ایران جزء ۵۴ کشوریست که زیر ۱۰٪ مساحتشان را جنگل می‌پوشاند. بررسی‌های به عمل آمده در زمینه روند تخریب جنگل‌ها بیانگر آن است که دولت ایران در حفاظت از منابع جنگل‌ها موفق عمل نکرده است. ایران با کاهش متوسط سالانه ۱۴۲ هزار هکتار از اراضی جنگلی خود در زمره کشورهای با نرخ بالای جنگل‌زدایی قرار دارد. طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ بالغ بر ۶۰ هزار هکتار از جنگل‌ها کشور دستخوش حریق شده است، به طوریکه سالانه ۰/۰۶ درصد از سطح جنگل‌ها را بر اثر آتش‌سوزی از بین می‌روند. مساحت جنگل‌های کشور از ۱۸ میلیون هکتار در سال ۱۳۴۳ به ۱۴/۳۲ میلیون هکتار در سال ۱۳۹۵ رسیده است. فقدان مدیریت یکپارچه در عرصه‌های جنگلی، عدم ارزش‌گذاری اقتصادی کارکردهای مختلف جنگل‌ها، نارسایی قوانین و مقررات و عدم ضمانت اجرایی قوانین موجود، عدم توجه کافی به پیامدهای محیط‌زیستی طرح‌های توسعه‌ای در داخل جنگل‌ها، ناهماهنگی در اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در عرصه‌های جنگلی، حضور گسترده جنگل‌نشینان جوامع محلی در عرصه‌های جنگلی و فقر حاکم بر جوامع جنگل‌نشین، همچنین وابستگی معیشت آن‌ها به بهره‌برداری و تغییر کاربری جنگل‌ها که در نهایت منجر به کاهش توان اکولوژیک جنگل‌ها و تخریب از نوع کمی و کیفی می‌گردد، تخریب کمی و کاهش توان اکولوژیک جنگل‌ها در اثر عدم ارزیابی محیط‌زیستی طرح‌ها و اقدامات توسعه‌ای در داخل جنگل‌ها اصلی‌ترین مسائل و مشکلات اصلی شناسایی شده در امر حفاظت و احیاء جنگل‌های کشور هستند که نشان می‌دهد مدیریت جنگل‌ها در ایران موفق نبوده است و نیاز توجه جدی به این منابع حساس و مهم هست. در این زمینه پیشنهادات زیر می‌تواند مفید واقع شود. توسعه قوانین حمایتی از جنگل‌ها و مراتع، برداشت متناسب چوب از جنگل‌ها با رویکرد علمی، جایگزینی مواد سوختی فسیلی (نفت و گاز) به جای سوخت ناشی از چوب درختان، تبدیل دامداری سنتی به دامداری مدرن و حذف احشام از جنگل‌ها، بویژه جایگزینی گوسفند به جای بز، حفاظت و حراست از جنگل‌ها؛ توسعه نظام جنگل‌بانی و گسترش مناطق حفاظت شده، آموزش

عمومی برای جلوگیری از حریق در مناطق جنگلی، اجرای دقیق طرح برنامه اقدام ملی جنگل و جنگلداری در مناطق مختلف.

منابع

آل یاسین، احمد (۱۳۸۶). تقابل منابع سیاره زمین با الگوهای توسعه و مصرف. تهران: جامعه مهندسان مشاور ایران.

اهلرز، اکارت (۱۳۷۲). ایران: مبانی یک کشورشناسی جغرافیایی، ترجمه محمد تقی رهنمایی، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.

بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۸۷)، محیط زیست (مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، جلد اول.

بویک، هانس (۱۳۸۱). سیمای تاریخی جنگل‌های طبیعی و درخت‌زارهای ایران، ترجمه عباس پاشایی اول، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

بویک، هانس (۱۳۷۶). جنگل‌های طبیعی و گیاهان چوبی ایران، ترجمه دکتر عباس شاهسواری، تهران: مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع.

تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۶)، حقوق کیفری محیط زیست، تهران: قومس.

جوانشیر، کریم (۱۳۷۸)، تاریخ علوم منابع طبیعی ایران، ۱۳۷۸، تهران: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.

چیراس، دانیل دی. (۱۳۸۲)، ترجمه محمد رضا داهی و بهرام معلمی، تهران: دانشگاه تهران.

خطیبی، نسرین دخت (۱۳۸۳)، جنگل‌های باستانی شمال در آستانه وداع، تهران: شرکت سهامی انتشار.

طاهری آبکنار، کامبیز و بابک پیله ور (۱۳۸۷)، جنگل شناسی، تهران: نشر حق شناس.

شامخی، تقی (۱۳۹۰)، قوانین و مدیریت منابع طبیعی (جنگل‌ها و مراتع)، تهران: دانشگاه تهران.

قنبری و دیگران (۱۳۸۸)، عملکرد ۳۰ ساله جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، تهران: سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور.

کیس، الکساندر، پیترا اچ. سند و وینفراید لانگ (۱۳۹۰)، حقوق محیط زیست، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران، جلد اول.

گزارش وضعیت محیط زیست ایران (۱۳۸۳)، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست ایران.

مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست (۱۳۸۳)، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، جلد اول.

مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست (۱۳۸۳)، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، جلد دوم.

مروی مهاجر، محمدرضا (۱۳۸۵)، جنگل شناسی و پرورش جنگل، تهران: دانشگاه تهران.

مولدران، بدریج و سوزان بیلهارز (۱۳۸۱)، شاخص های توسعه پایدار، ترجمه نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم نژاد، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.

وضعیت جنگل های جهان (۱۳۸۶)، فائو. ترجمه علیرضا شهریاری و حامد شفیعی.

یخکشی، علی (۱۳۵۶)، ارزش اجتماعی و اقتصادی جنگل، تهران: دانشگاه تهران.

یخکشی، علی (۱۳۸۲)، مدیریت سازمان جنگل ها و مراتع و حفاظت محیط زیست ایران در مقایسه با سیستم مدیریتی پاره ای از کشورهای اروپایی، مازندران: دانشگاه مازندران.

حکیمیان، کبری، بررسی تاریخی قلمرو جنگل های ایران با تأکید بر جنگل های شمال، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۳۶، مهرماه ۱۳۷۸.

شامخی، تقی، اعطای گواهی مدیریت پایدار به جنگل، همایش ملی آینده جنگل های ایران، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۸۴.

شامخی، تقی، معیارها و شاخص های اجتماعی- اقتصادی مدیریت پایدار جنگل و تطبیق آن با وضعیت ایران، همایش حفاظت جنگل ها در مدیریت پایدار، انجمن جنگلبانان ایران، ۲۲-۲۰ مهرماه ۱۳۸۳.

مبرقی دینان، نغمه (۱۳۸۷)، ارائه و به کارگیری الگوی ارزش گذاری مکانی خدمات اکوسیستم جنگلی با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران.

محرم نژاد، ناصر، بررسی نقاط قوت، نقاط ضعف، تهدیدها و فرصت های اجرای اصول جنگل در جنگل های شمال ایران (ریو تا ژوهانسبورگ)، فصلنامه علم و تکنولوژی محیط زیست، دوره یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸.

محمودی، جلال، نگرشی بر معضل قاچاق چوب در ایران، فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۵.

مروی مهاجر، محمدرضا، مدیریت حفاظت و حمایت از دیدگاه اکوسیستم و جنگلداری نزدیک به طبیعت، همایش ملی آینده جنگل های ایران، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۸۴.

ولایتی، سعیدالله و دیگران، چالش های زیست محیطی جنگل ها و مراتع ایران و پیامدهای آن، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.

سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور (شورای جنگل)، گزارش سالانه.

سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور (دفتر جنگل های خارج از شمال)، گزارش سالانه.

Global Forest Resources Assessment (FAO, 2003).

Global Forest Resources Assessment (FAO, 2005).

Global Forest Resources Assessment (FAO, 2010).

Toha, G.J. and A. Bavoo (1997), the role of forest policics and institutions in achieving sustainable, forest development, Unasyuva, Vol. 48, No. 190/191.